

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده ادبیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

تحلیل جهان بینی و شخصیت سعدی در غزلیات

با رویکرد زبان شناسی نقش گرا

استاد راهنما:

دکتر طاهره ایشانی

استاد مشاور:

دکتر نسرين فقيه ملك مرزبان

پژوهشگر:

نرگس نظيف

شهریور ماه ۱۳۹۳

سپاس نامه

اینک که به یاری پروردگار متعال، امر نگارش این پایان نامه به اتمام رسیده است؛ بر خود لازم می‌دانم از تلاشها و زحمات همه کسانی که مرا در انجام این امر یاری رساندند، تشکر و قدردانی نمایم. هرچند کلمات را یاری آن نمی‌باشد که حق مطلب را ادا کنند.

پروراندن اندیشه و کلام را در این پژوهش مرهون لطف و مهربانی های این بزرگوارانم:

سرکار خانم دکتر طاهره ایشانی که با نهایت درایت و فرزانی‌شان در امر تدریس، در طول نگارش پایان نامه حاضر- به عنوان استاد راهنما- با گشاده‌رویی تمام مرا راهنمایی نمودند.

سرکار خانم دکتر نسرین فقیه ملک مرزبان که ضمن برانگیختن اشتیاق به این مطلب در وجودم بر من منت نهادند و امر مشاوره این پایان نامه را پذیرفتند و در طول انجام پژوهش، لحظه‌ای بزرگواری و مددشان را از بنده دریغ نکردند.

همچنین ضمن تشکر از مدیر و معاون محترم تحصیلات تکمیلی و اعضای پرسنل اداری آن از سرکار خانم دکتر زهرا پارساپور، رئیس پژوهشکده‌ی زبان و ادبیات فارسی سپاس‌گزاری می‌نمایم.

از سوی دیگر بر خود واجب و لازم می‌دانم که از ریشه های وجودی خویش، پدر و مادر بزرگوارم که اولین آموزگاران من بودند و از همه‌ی دوستان عزیزم که در نهایت صمیمیت و خلوص نیت همواره در کنارم بودند و به یاری ام شتافتند قدردانی نمایم.

تقديم به

«ساحت مقدس حضرت ولي عصر بقیة الله» (عج)

مبنای نظری پژوهش حاضر را نظریه‌ی «متن بنیاد و نقش‌گرایی هلیدی» (۱۹۹۴) - کارکرد اندیشگانی (تجربی) در بر می‌گیرد. در دستور زبان نظام مند نقش‌گرا برای تحلیل گفتمان سه فرانقش متنی، بینافردی و اندیشگانی در نظر گرفته می‌شود. فرانقش اندیشگانی به دو کارکرد تجربی و منطقی تقسیم می‌شود. در کارکرد تجربی کاربر زبان تجربیات دنیای بیرون خود را از طریق زبان بیان می‌نماید. محصول این کارکرد در جمله گذرایی است که مؤلفه‌ای از فرانقش اندیشگانی و مشخصه‌ای از جمله است و برای مشخص نمودن انواع فرایندها در جمله به کار می‌رود. در پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش تحلیلی- آماری پس از انتخاب غزلیات، مضامین مطرح شده در غزلیات از طریق بررسی انواع فرآیندهای موجود در غزلیات سعدی (۵۰ غزل با نمونه‌گیری تصادفی از هر مضمون) و تعیین بسامد تکرار آنها به جهان بینی و شخصیت سعدی در غزلیات پرداخته‌ایم. همچنین با کاربست این رویکرد به شاخص‌های سبکی سعدی در غزل اشاره کرده‌ایم. رهاورد این تلاش، مشتمل بر چهار فصل کلی می‌باشد: فصل اول (کلیات پژوهش) فصل دوم (مباحث نظری) فصل سوم (غزل و سعدی) و فصل چهارم (بحث و نتیجه‌گیری) می‌باشد. بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که بیشترین فرآیند کاربردی در غزلیات فرآیند رابطه‌ای وصفی می‌باشد که مبین صفات سعدی و معشوق، توصیف حالات عاشقی و روابط بین پدیده‌هاست. همچنین با بررسی جهان بینی و شخصیت سعدی در غزلیات از این منظر، ابعاد شخصیتی سعدی نظیر (عاشقانه، عارفانه، قلندرانه، اومانیست‌گرایی، اخلاق‌گرایی، طبیعت‌گرایی، برون‌گرایی، واقع‌گرایی و خیام‌گرایی) و جهان بینی سعدی از منظر عشق و عرفان مورد تحلیل قرار گرفته و به اثبات رسیده است. همچنین از طریق تحلیل‌های انجام شده شاخص‌های سبکی در غزلیات از این منظر و در قالب علوم بلاغی (بدیع، بیان و معانی) مشخص و معین گردیده است.

کلید واژه‌ها: تحلیل گفتمان، زبان شناسی نقش‌گرایی هلیدی، غزل سعدی، جهان بینی و شخصیت، شاخص‌های سبکی.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	۱- فصل اول: مفاهیم و کلیات
۲	۱-۱-۱- بخش اول: طرح پژوهش
۲	۱-۱-۱-۱- تعریف مسأله یا بیان موضوع
۵	۱-۱-۱-۲- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش (چرایی پژوهش)
۵	۱-۱-۱-۳- اهداف پژوهش
۶	۱-۱-۱-۴- قلمرو پژوهش
۶	۱-۱-۱-۵- پرسش های پژوهش
۶	۱-۱-۱-۶- فرضیه های پژوهش
۷	۱-۱-۱-۷- روش انجام پژوهش
۷	۱-۲-۱- بخش دوم: پیشینه پژوهش (کتابها، مقالات و پایان نامه های مرتبط با موضوع پژوهش)
۷	۱-۲-۱- چشم اندازی برپیشینه پژوهش با نگاهی انتقادی
	۲- فصل دوم: مباحث نظری پژوهش
۱۸	۱-۲-۱- زبان شناسی نقش گرا
۲۱	۱-۲-۱-۱- زبان و هنر کلامی از دیدگاه زبان شناسی نقش گرا
۲۳	۱-۲-۱-۲- نظریه نظام مند - نقشی
۲۳	۱-۲-۲- مفهوم دستور در نظریه هلیدی
۲۴	۱-۲-۲- سیستم (نظام، دستگاه)
۲۵	۱-۲-۲-۳- نقش
۲۶	۱-۲-۲-۴- متن
۲۶	۱-۲-۲-۵- بند (به مثابه ی جایگاه تبلور فرانش)
۲۸	۱-۲-۲-۶- انواع معنا یا انواع فرانش ها در دستور نقشگرا
۳۲	۱-۲-۲-۷- مفهوم نظام تعدی یا گذرایی (transitivity) در SFL
	۳- فصل سوم: ادبیات غنایی، غزل و سعدی
۴۸	۱-۳-۱- بخش اول: ادبیات غنایی (ژانر غنایی)
۴۹	۱-۳-۱-۱- غزل (برجسته ترین گونه شعر غنایی فارسی)
۵۱	۱-۳-۲- سعدی در غزل
۵۱	۱-۳-۲-۱- شرح احوال و آثار سعدی

۵۴ ۲-۲-۱-۳- مضمین کلی غزل
۶۵ ۳-۲-۱-۳- مضامین و موضوعات غزلیات سعدی
۸۷ ۲-۳- بخش دوم: جداول فرایندهای شش گانه در غزل های منتخب
۸۷ ۱-۲-۳- مقدمه
۸۸ ۲-۲-۳- تحلیل و بررسی

فصل چهارم: بحث و نتیجه گیری

۲۷۸ ۱-۴- بخش اول: تحلیل غزل ها براساس نظریه نظام مند - نقشی
۲۷۸ ۱-۱-۴- فرآیند مادی
۲۷۸ ۱-۱-۴- تحلیل کنش‌گرهای فرآیند مادی
۲۷۸ ۲-۲-۱-۴- تحلیل کنش‌های سعدی (افعال مادی و کنش)
۲۷۹ ۳-۱-۱-۴- تحلیل کنش‌های معشوق سعدی (افعال مادی و کنشی)
۲۸۱ ۴-۱-۱-۴- تحلیل هدف (بعنوان مشارک فرآیند مادی)
۲۸۱ ۲-۱-۴- فرآیند ذهنی
۲۸۱ ۱-۲-۱-۴- تحلیل حسگرهای فرآیند ذهنی
۲۸۱ ۲-۲-۱-۴- تحلیل افعال ذهنی(نوع حس سعدی (حسگر))
۲۸۲ ۳-۲-۱-۴- تحلیل افعال ذهنی (نوع حس معشوق سعدی (حسگر))
۲۸۴ ۴-۲-۱-۴- تحلیل مشارک پدیده (پدیده‌های اسمی و فعلی)
۲۸۴ ۳-۱-۴- فرآیند رابطه‌ای
۲۸۴ ۱-۳-۱-۴- رابطه‌ای وصفی
۲۸۶ ۲-۳-۱-۴- رابطه‌ای شناسایی (هویتی)
۲۸۶ ۱-۲-۳-۱-۴- تحلیل هویت سعدی
۲۸۷ ۲-۲-۳-۱-۴- تحلیل هویت یار
۲۸۸ ۳-۳-۱-۴- رابطه‌ای ملکی (وصفی ملکی، شناسایی ملکی)
۲۸۸ ۱-۳-۳-۱-۴- تحلیل داشته‌ها و نداشته‌های سعدی (مالکیت و سلب مالکیت)
۲۸۹ ۲-۳-۳-۱-۴- تحلیل داشته‌ها و نداشته‌های یار(معشوق سعدی) (مالکیت و سلب مالکیت)
۲۹۰ ۴-۳-۱-۴- رابطه‌ای (وصفی حاشیه‌ای) :
۲۹۰ ۵-۳-۱-۴- رابطه‌ای اسنادی
۲۹۰ ۴-۱-۴- فرآیند کلامی
۲۹۰ ۱-۴-۱-۴- تحلیل مشارک گوینده در فرآیند کلامی
۲۹۱ ۲-۴-۱-۴- تحلیل مشارک مخاطب در فرآیند کلامی (به همراه نوع پیام‌ها)

- ۲۹۱..... ۳-۴-۱-۴ - تحلیل مخاطبان سعدی و نوع پیام‌هایشان
- ۲۹۳..... ۴-۴-۱-۴ - تحلیل کلی پیام‌ها (نوع گفتمان مخاطبان سعدی)
- ۳۰۰..... ۵-۱-۴ - فرآیند رفتاری
- ۳۰۰..... ۱-۵-۱-۴ - تحلیل رفتارگرهای فرآیند رفتاری
- ۳۰۰..... ۲-۵-۱-۴ - تحلیل رفتارهای سعدی
- ۳۰۲..... ۳-۵-۱-۴ - تحلیل رفتارهای معشوق سعدی
- ۳۰۴..... ۶-۱-۴ - فرآیند وجودی
- ۳۰۴..... ۱-۶-۱-۴ - تحلیل مشارک فرآیند وجودی (موجود)
- ۳۰۵..... ۷-۱-۴ - فرآیند جوّی (هوا سنجی)
- ۳۰۵..... ۸-۱-۴ - عناصر پیرامونی
- ۳۱۵..... ۲-۴ - بخش دوم: بررسی آماری فرآیندها
- ۳۱۹..... ۳-۴ - بخش سوم: بررسی شاخص‌های سبکی در غزلیات
- ۳۴۶..... ۴-۴ - بخش چهارم: تحلیل شخصیت سعدی
- ۳۹۴..... ۵-۴ - بخش پنجم: تحلیل جهان بینی سعدی
- ۴۰۸..... ۶-۴ - بخش ششم: (نتیجه‌گیری کلی)
- ۴۴۲..... فهرست منابع فارسی
- ۴۴۹..... فهرست منابع انگلیسی
- ۴۵۰..... واژه نامه فارسی-انگلیسی

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۳۱۷.....	نمودار ۱-۴: تحلیل آماری فرایندها در غزلیات سعدی (رویکرد نقش گرای هلیدی)
۳۱۷.....	نمودار ۲-۴: تحلیل آماری انواع فرایند رابطه ای در غزلیات سعدی
۳۱۸.....	نمودار ۳-۴: تحلیل آماری روساخت افعال در غزلیات سعدی (رویکرد نقش گرای هلیدی)
۳۴۶.....	نمودار ۴-۴: تحلیل آماری فرایندهای صدر نشین در غزلیات سعدی (درصد)

فصل اول:

مفاهيم و کلیات

۱-۱ بخش اول: طرح پژوهش

در این بخش، (طرح پژوهش)، به بررسی نکات و مفاهیم مقدماتی - که لازمه ورود به بخش های دیگر پژوهش است - می پردازیم. از رهگذر این مقدمات، چارچوب کلی و منسجم از فضای پژوهش حاضر (با عنوان: تحلیل جهان بینی و شخصیت سعدی در غزلیات با رویکرد زبانشناسی نقش گرا) و ارائه پیش زمینه ای ذهنی در جهت تقویت و تفهیم این اثر پژوهشی، در اختیار خواننده، قرار می گیرد. در واقع، طرح هر پژوهش، مقدمه ای جامع و دورنمایی دقیق و منظم از کلیت یک اثر پژوهشی، می باشد. لذا، باتوجه به میزان اهمیت طرح پژوهش به بررسی مفاهیم مرتبط با آن می پردازیم.

۱-۱-۱- تعریف مسأله یا بیان موضوع

مطالعات نظام مند در قالب چارچوب های مشخص نظری پیرامون متن و گفتمان (discourse)؛ یعنی (سخن فراتر از جمله) را می توان رشته ای نوپا به حساب آورد. اصطلاح تحلیل گفتمان، نخستین بار در سال ۱۹۵۱ در مقاله ای با عنوان: (discourse Analysis in Language)، از زبان شناس معروف آمریکایی، زیلگ هریس به کار رفته است. او می گوید: پس از سطوح تکواژها، بندها و جملات، سطح کلام قرار می گیرد. از دهه ۱۹۷۰ به بعد، گفتمان وارد مباحث زبان شناسی شد. ون دایک در تعریف گفتمان، سه بعد اصلی را در نظر می گیرد:

الف: کاربرد زبان

ب: برقراری ارتباط میان باورها (شناخت)

ج: تعامل در موقعیت های اجتماعی.

هدف اصلی مطالعه گفتمان، فراهم آوردن توصیفی یکپارچه از این سه بعد اصلی گفتمان است. چگونه کاربرد زبان بر باورها و تعامل، تأثیر می گذارد یا برعکس، چگونه تعامل بر نحوه سخن گفتن مردم، تأثیر می گذارد و یا چگونه باورها، کاربرد زبان و تعامل را کنترل می کنند. در واقع می توان گفت که گفتمان، شکلی از کاربرد زبان است. زبان شناسی نقش گرا از اواسط قرن ۲۰ رشد و گسترش یافت. آندره مارتینه، فرث و هلیدی از جمله پیشگامان این زبان شناسی، هستند.

از دیدگاه هلیدی - به عنوان بنیان گذار زبان شناسی نقش گرا - نظام زبان، نظامی اختیاری و قراردادی نیست، بلکه طبیعی و پرورده ای جامعه و انسان است. در دستور زبان نظام مند نقش گرا برای تحلیل گفتمان، سه فرا نقش متنی، بین فردی و اندیشگانی در نظر گرفته می شود. فرا نقش اندیشگانی به دو کارکرد تجربی و منطقی تقسیم می شود. در کارکرد تجربی، کاربر زبان، تجربیات دنیای بیرون خود را از طریق زبان، بیان می نماید. محصول این کارکرد در جمله، گذرایی (Transitivity) است که مؤلفه ای از فرانش اندیشگانی و مشخصه ای از جمله است و برای مشخص نمودن انواع متفاوت فرآیندها در جمله

– که در فعل نمود می‌یابد – به کار می‌رود و از طریق این نظام‌گذاری، یک فرستنده، تجارب، اندیشه‌ها و برداشت‌های خویش را از حوادث و وقایع و پدیده‌های جهان بیرون و درونش به مخاطب، عرضه می‌کند.

بنابراین با توجه به اینکه‌گذاری بر اساس زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی، رمزگذاری تجربیات ما از فرایندهاست و یکی از نقش‌های زبان نیز از دیدگاه هلیدی «بیان تجربه‌ی سخنگو از جهان بیرون و درون است.» (مؤذن، ۱۳۷۷: ۴۴) و همچنین از آنجایی که ارتباط تنگاتنگ ذهن و زبان، برای هرکسی مشخص است در نتیجه می‌توان با بررسی انواع فرآیندهای موجود در افعال غزلیات سعدی و تعیین بسامد و تکرار آنها، از تجارب، تفکرات و دنیای درون سعدی، آگاه شد. ضمن اینکه نوع فرایند استفاده شده می‌تواند به عنوان شاخصی سبکی، در غزلیات او در نظر گرفته شود و از سوی دیگر، با تکیه بر بسامد کل فرآیندهای موجود و ویژگی‌های زبانی در این متن می‌توان به طرز تفکر و نگرش یا به طور کلی جهان بینی و شخصیت سعدی پی برد.

لازم به ذکر است که در دستور زبان نقش‌گرای هلیدی، فعل بر اساس‌گذاری، شامل شش فرآیند است: فرآیندهای مادی، ذهنی، رابطه‌ای، جزء فرایندهای اصلی و فرآیندهای رفتاری، کلامی و وجودی، جزء فرآیندهای فرعی هستند.

فرآیند مادی، از نوع کنش است؛ یعنی کسی یا چیزی، کاری را انجام می‌دهد. مانند افعال: پختن، ساختن، کوبیدن و

فرآیند ذهنی، بیانگر احساسات، اندیشه‌ها و ادراک فرد است. مانند افعال: دوست داشتن، درک کردن، شناختن و

فرآیند رابطه‌ای، اشاره بر چگونگی (بودن) اشیاء و پدیده‌ها دارد، در کل فرآیندی است که در آن، یک (ویژگی یا هویتی)، به موجودی نسبت داده شده است. مانند افعال: بودن، شدن و

فرآیند رفتاری، به رفتارهای روانی و زیستی و یا فیزیولوژیک انسان، مانند: خندیدن، خوابیدن، نفس کشیدن و . . . اشاره دارد.

فرآیند کلامی، عنصر فعلی فرآیند، از نوع «گفتن» است که به بیان چیزی می‌پردازد.

فرآیند وجودی، از موجودیت و هستی پدیده‌ای و یا عدم آن، سخن می‌گوید. مانند افعال: وجود داشتن، باقی ماندن، به وجود آمدن و . . . (همان: ۵۴-۵۰)

از سوی دیگر، در باور چامسکی، زبان نه وسیله‌ای برای ارتباط بلکه ابزاری برای تفکر و آیینی‌ی ذهن آدمی و در نتیجه، دریچه‌ای برای راه بردن به جنبه‌هایی از ویژگی‌های ذاتی ذهن آدمی است.

پس، زبان شناسی، مطالعه‌ی علمی زبان برای فهم ویژگی‌های ذهن انسان است و در نهایت بخشی از روان شناسی را تشکیل می‌دهد. (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۸)

لذا، با توجه به ارتباط تنگاتنگ زبان و ذهن آدمی و واکنش سعدی نسبت به ادراک واقعیت و توصیف آن، که با سرایش غزل، صورت گرفته است، جهت شناخت شخصیت و جهان بینی سعدی چنین تحلیلی با توجه به زبان در غزل او، امکان پذیر خواهد بود.

ضمن آن که «یکی از ویژگی‌های غزلیات سعدی نیز، بیان تجربی آن است؛ یعنی نزدیکی آنها با تجربه‌های شاعر است. آنچه به شعر، معنایی همه فهم می‌دهد، همین احساس شرکت در تجربه‌ای همگانی است.» (عبادیان، ۱۳۸۴: ۱۰۶) و از آنجایی که «سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان بیرون و درون است که لزوماً در شیوه خاصی از بیان تجلی می‌کند.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۵) و همچنین سبک «روش خاص شاعر یا نویسنده جهت بیان ادراک و احساس خود است.» (فرهنگ معین، ۱۳۷۱: مدخل سبک) و به‌طور کلی سبک «بیان مافی الضمیر و خویشتن آدمی» می‌باشد. (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۵) و در این پژوهش، با توجه به ارتباط زبان و جهان بینی با سبک خالق اثر، برآنیم به بررسی شاخص‌های سبکی غزل سعدی با این رویکرد بپردازیم.

همچنین با توجه به اینکه «سبک، محصول گزینش خاص از واژه‌ها و تعبیر و عبارات است.» (همان: ۲۳). این گزینش خاص، می‌تواند فعل را در رابطه با دیگر اجزای جمله دربرگیرد پس با استفاده از رویکرد نقش‌گرا، می‌توان شاخص سبکی خاصی برای غزلیات در نظر گرفت. ضمن اینکه با توجه به اهمیت فعل در ساختار دستور زبان، بر همگان آشکار است که در تقسیم بندی واحد جمله، به نهاد و گزاره، مهمترین بخش گزاره، «فعل» می‌باشد. (خانلری، ۱۳۵۵: ۱۸)

لذا در این تحلیل، بررسی سبکی فعل بیشتر از سایر اجزای جمله مورد نظر است.

در تأیید این مسأله، ایران‌زاده (۱۳۸۲: ۳۷) بر این باور است که: «در ساختار نحوی غزلیات، هر بیت، بیش از یک فعل، و گاه سه فعل دارد. مثلاً در غزلیات سعدی، زوج فعل‌های «نشست و برخاست، بریدن و شکستن و . . . بسامد بالایی دارد.»

صیادکوه (۱۳۸۶: ۱۹۲-۱۹۱)، نیز در این باره بر این عقیده است که «فعل در زبان سعدی، تنوع زیادی دارد. در زنجیره‌ی گفتار او، فعل، درصد بالایی را به خود اختصاص می‌دهد و بیشتر از دیگر اقسام کلمه، قدرت گزارش دهی دارد.»

بنابراین، اهمیت نقش فعل در غزلیات آشکار می‌شود. از آنجایی که فعل در غزل سعدی با دیدگاه‌های مختلفی مورد توجه است؛ می‌توان آن را با رویکرد زبان شناسی نقش‌گرا و بررسی انواع فرآیندها نیز تحلیل نمود.

لذا در این پژوهش برآنیم که جهان بینی و شخصیت سعدی را در غزلیات با رویکرد زبان شناسی نقش‌گرا و با تأکید بر فعل، بررسی نموده و با کاربست این رویکرد، علاوه بر طبقه بندی مضامین مطرح شده در غزلیات، ویژگی های سبکی آن‌ها را نیز، بیان نماییم.

به همین منظور، پس از طبقه بندی مضمونی غزلیات و نمونه‌گیری تصادفی از هر مضمون، در کل ۵۰ غزل - تحلیل و بررسی زبان شناختی صورت می‌گیرد و با توجه به بسامد و درصد فرآیند ها در فعل، بررسی سبکی و سپس تحلیل شخصیت و جهان بینی سعدی، انجام می‌گیرد.

۱-۱-۲- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش (چرایی پژوهش)

با توجه به اینکه جهان بینی، ویژگی های شخصیتی و سبکی سعدی از طریق آثار او با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا که مبتنی بر رابطه ذهن و زبان است و همچنین با کمک علم روان شناسی به روش علمی بررسی نشده و بیشتر تحلیل های صورت گرفته در این زمینه در راستای زیبایی شناختی انجام شده است؛ اهمیت چنین پژوهشی آشکار می‌گردد.

از سوی دیگر، از آنجایی که زبان شناسی نظام مند نقش‌گرا، زبان اثر را آینده‌ی تجربیات و درونیات هر فرد و جامعه می‌داند و به عبارت دیگر، زبان را بیانگر تجربه‌ی سخنگو از جهان بیرون و درون در نظر می‌گیرد؛ (مؤذن، ۱۳۷۷: ۴۵-۴۴) چنین تحلیلی به عنوان گام اول در مطالعات بین رشته‌ای ادبیات، زبان شناسی و روان شناسی در زمینه غزلیات سعدی محسوب می‌گردد و راه را برای تحلیل های بعدی سایر آثار ادبی باز می‌نماید.

همچنین در راستای اهمیت جهان بینی و ضرورت تحلیل شخصیت سعدی، لازم به ذکر است که تأثیر کلام سعدی بر افکار جهانی و فرهنگ ملی، بر همگان آشکار است؛ به عنوان نمونه، مقبولیت عام و جهانی بودن کلام سعدی را می‌توان بر سر در سازمان ملل، (شعر معروف: بنی‌آدم اعضای یکدیگرند. . .) مشاهده کرد.

ضمن اینکه بسیاری از افکار و کلام سعدی، به صورت ضرب المثل و کنایه، در میان ما رایج شده است؛ پس می‌توان سعدی را شاعری فرهنگ ساز با مقبولیت عام در سطح جهانی دانست.

لذا، با توجه به نفوذ عمیق تفکرات، آثار و شخصیت سعدی در میان عموم مردم - داخلی و خارجی - بررسی جهان بینی و شخصیت این شاعر برجسته، دستاوردی عمومی و تحلیلی چند جانبه ، زبان‌شناسی، سبک شناسی، روان شناسی - در حوزه ادبیات فارسی - به ویژه شعر، محسوب می‌گردد.

۱-۱-۳- اهداف پژوهش

۱- دستیابی به شناخت شخصیت و جهان بینی سعدی با رویکرد زبان شناسی نقش‌گرا؛ با استفاده از انواع فرآیندها، تعیین میزان بسامد آنها در ابیات غزلیات سعدی.

۱- طبقه بندی مضمونی غزلیات، شناسایی و تبیین شاخص سبکی غزل سعدی با توجه به زبان شناسی نقش‌گرا.

۱-۱-۴- قلمرو پژوهش

الف- قلمرو مکانی: کلیات سعدی - غزلیات

ب - قلمرو زمانی: قرن ۷

ج - قلمرو موضوعی: تحلیل گفتمان - زبان شناسی نقش‌گرای هلیدی.

۱-۱-۵- پرسش های پژوهش

۱- مضامین مطرح شده در غزلیات سعدی - با توجه به تقسیم بندی مضمونی آن‌ها - چه هستند؟

۲- جهان بینی و شخصیت سعدی در غزلیات، با رویکرد زبان شناسی نقش‌گرا، چگونه است؟

۳- درصد کاربرد هر یک از فرآیندها، در این مضامین، به چه میزان است؟

۴- ویژگی های سبکی غزلیات سعدی - با توجه به این رویکرد و با تأکید بر فعل چیست؟

۱-۱-۶- فرضیه‌های پژوهش

۱- با توجه به تقسیم بندی مضمونی غزلیات، مضامین مطرح شده عبارتند از:

الف - غزلیات تک مضمونی، شامل عاشقانه، عارفانه، تعلیمی، انتقادی .

ب - غزلیات چند مضمونی که می‌تواند ترکیبی از مضامین باشد؛ از جمله: عاشقانه - عارفانه؛ انتقادی - عاشقانه و . . . باشد و به نظر می‌رسد که درصد میزان کاربرد این نوع از غزلیات (چند مضمونی)، بیشتر از غزلیات (تک مضمونی)، می‌باشد.

۲- سعدی با بکارگیری فرآیند رابطه‌ای (وصفی - اسنادی) و هویت بخشی به مفهوم عشق

(با توجه به نقش فرآیند رابطه‌ای که هویت بخشی است)، سعی دارد همگان را به معنای نجات- بخش عشق - جان کلام غزلیات - و مفاهیم مرتبط با آن، رهنمون سازد. همچنین او سعی دارد از طریق فرآیند رابطه‌ای (اسنادی)، به معرفی جهان اطراف از دیدگاه خود و روابط بین پدیده‌ها، پردازد.

۳- به نظر می‌رسد بسامد و درصد فرآیند رابطه‌ای (وصفی - اسنادی) ، در متن غزلیات بیشتر از سایر فرآیندها است.

۴- ویژگی های سبکی غزلیات، با تأکید بر فعل و با توجه به رویکرد نقش‌گرا می‌تواند موارد زیر را در برگیرد: تعمیم موضوع (مفهوم عشق) و هویت دهی به آن و مفاهیم مرتبط با آن، کاربرد

افعال اسنادی در جایگاه ردیف، تنوع فعل، کاربرد افعال مکرر و جملات کوتاه، کاربرد زوج فعل‌های متضاد، بیان تجارب عاطفی در غزلیات.

۱-۱-۷- روش انجام پژوهش

روش انجام این پژوهش، روش کتابخانه‌ای و تحلیلی- آماری می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش؛ انتخاب غزلیات بر اساس نسخه فروغی، طبقه بندی مضمونی غزلیات و نمونه‌گیری تصادفی از هر مضمون - در کل ۵۰ غزل - و بسامدگیری انواع فرآیندهای افعال به صورت بررسی آماری، توصیفی و استنباطی خواهد بود.

فنون و ابزارهای گردآوری اطلاعات

منابع کتابخانه‌ای و مقالات پژوهشی فارسی و انگلیسی.

فنون و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

- ۱- مطالعه‌ی غزل‌ها و طبقه بندی مضمونی آنها
- ۲- تحلیل غزل‌ها و استخراج نوع فرآیندها در افعال
- ۳- بسامد و درصدگیری و تجزیه و تحلیل آماری، طبق جامعه آماری تعریف شده و نمونه‌گیری تصادفی از غزلیات (۵۰ غزل).
- ۴- بحث و بررسی (تحلیل کیفی - تحلیل شخصیت و جهان بینی سعدی)

۱-۲- بخش دوم: پیشینه پژوهش (کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع

پژوهش)

۱-۲-۱- چشم اندازی بر پیشینه پژوهش با نگاهی انتقادی

با توجه به پژوهش حاضر (تحلیل جهان بینی و شخصیت سعدی در غزلیات با رویکرد زبان شناسی نقش‌گرا) در این مبحث، سعی بر این است تا منابع مطالعاتی مرتبط با موضوع پژوهش (کتاب، مقاله، پایان‌نامه)، عنوان و تبیین شوند. البته در بطن تحلیل و تفسیر این منابع، بر نقد آنها نیز- بطور اجمالی - گریز زده شده است.

از دیدگاه منتقدانه، در بسیاری از این منابع، داده‌های پژوهشی، از منظر دو یا سه فرانش (اندیشگانی، بینافردی و متنی)، مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و بطور خاص به فرانش اندیشگانی با همه عناصر مربوط به آن، نپرداخته‌اند.

همچنین در مواردی از این بررسی‌ها، حوزه نثر فارسی (بیاموزیم‌های آموزشی، داستان‌های کوتاه و...)، شعر و ادبیات کودک و یا شعر معاصر (در تقابل با ادبیات کلاسیک) مورد نظر بوده است.

از سوی دیگر، در برخی از این منابع در بررسی فرانش اندیشگانی - به ویژه در حوزه نظم فارسی - توضیح و تفصیل، صورت نگرفته و تحلیل ها، مختصر و اجمالی اند. به عنوان مثال، برخی منابع، تنها به ذکر نوع فرآیندهای فعلی، بسنده کرده و در سایر موارد نیز، نقش مشارکین و به ویژه عناصر پیرامونی همراه با انواع آن، نا دیده و یا کمرنگ به نظر می رسد.

از رهگذر این دیدگاه منتقدانه، در این فصل، به بررسی مطالعاتی که در راستای پژوهش حاضر (تحلیل جهان بینی و شخصیت سعدی در غزلیات با رویکرد زبان شناسی نقش گرا)، انجام گرفته است، می پردازیم.

مهدی دستجردی کاظمی (پژوهشگاه علوم انسانی)

در سال (۱۳۸۸)، در رساله خود با عنوان «توصیف گفتار دانش آموزان پایه اول دبیرستان بر اساس نظریه نقش گرای نظام مند»، به توصیف گفتار کودکان ۶ ساله فارسی زبان تهرانی در قالب نظریه نقش گرای نظام مند هلیدی پرداخته است در این رساله پنج فصلی، از دو فرانش متنی و تجربی این نظریه برای توصیف استفاده شده است.

داده های مطالعه شده در این رساله بیش از چهار هزار و دویست بند (ساده و مرکب) می باشند. این داده های گفتاری کودکان از پژوهش انجام شده در سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۴ با نام «طرح ملی واژگان پایه در کودکان ایرانی» از بیان ۱۴ داستان مصور (آزمون تولیدی)، توسط ۲۰ کودک فارسی زبان جدید ورود پایه اول دبستان در شهر تهران، استخراج و تهیه شده است.

در این پژوهش، از منظر فرانش تجربی و بر اساس آمارهای انجام شده، نتایج زیر حاصل گردیده است:

- فرآیندهای شش گانه فرانش تجربی با بسامد زیر در گونه گفتاری زبان فارسی در کودکان، مشاهده شدند: مادی (۶۱/۵٪)، رابطه ای (۱۳٪)، ذهنی (۱۰٪)، وجودی (۷٪)، رفتاری (۶/۵٪) و بیانی (۲٪).

- پسران بیشتر از دختران از فرآیندهای مادی استفاده می کنند (۶۸ درصد به ۵۸ درصد) و دختران بیشتر از پسران از فرآیندهای ذهنی، استفاده می برند (۱۲ درصد به ۶ درصد).

- فرآیندهای مادی بیش از ۶۰ درصد از کل فرآیندها را در گونه گفتار زبان فارسی در کودکان به خود اختصاص می دهند.

- پسران و دختران در کاربرد فرآیندهای رابطه ای، وجودی، رفتاری و بیانی، تفاوت و اختلاف معناداری را نشان نمی دهند.

در سال (۱۳۷۹)، در پایان نامه خود با عنوان «طبقه بندی نحوی - معنایی افعال زبان فارسی»؛ که در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام مند هلیدی (۱۹۹۴) نوشته، افعال زبان فارسی را طبقه بندی کرده است. هلیدی در دستور نظام مند، چهار فرانش معنایی - نحوی را مطرح کرده که یکی از آنها فرا-نقش تجربی است. در این پژوهش، ملاک طبقه بندی افعال زبان فارسی، فرانش تجربی بوده است.

بر اساس چارچوب دستور هلیدی، افعال فارسی از منظر معنایی در شش فرآیند(نوع)، طبقه بندی شده‌اند: فرآیندهای عینی، ذهنی، رابطه‌ای، کلامی(بیانی)، رفتاری و وجودی. در اینجا برای هر طبقه یا نوع فرآیند و تمایز آنها از یکدیگر، ملاک‌های نحوی، معنایی و رفتاری عرضه شده است؛ که در مباحث نظری پژوهش(در قسمت فرآیندها)، به برخی از دیدگاه‌های غیاثیان، اشاره نموده‌ایم.

داده های زبانی مطالعه شده در این پژوهش، از پایگاه دادگانی زبان فارسی موجود در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و از کتاب‌های درسی و دو پایان نامه و چندکتاب دستور زبان فارسی، استخراج شده‌اند. این داده‌ها بر خلاف متن اصلی پژوهش حاضر (غزلیات سعدی) همگی به صورت نثر بوده‌اند و نه نظم و شعر. آن هم از نوع نثر فارسی معاصر و نه کهن.

وی در فصل دوم این رساله، پس از توضیح و تفصیل فرانش تجربی و انواع فرآیندها و مشارکان آنها، و بیان فرآیندهای شش‌گانه و انواع آنها (فصل سوم)، به توصیف افعال فارسی و طبقه بندی آنها پرداخته است.

ملاک‌های او عبارتند از: معیار معنایی، مشارکان و تعداد آنها، مختصات معنایی مشارکان(جاننداری و بی‌جانی)، دو سویگی، مبتدا سازی، جهت، پرسشواره و زمان.

وی در فصل چهارم پایان نامه خود، نتیجه‌گیری کرده که منظر هلیدی به فرآیندها، در زبان فارسی نیز قابل اعمال بوده و تفاوتها در این میانه، جزئی و ناچیز است.

مریم مؤذن (۱۳۷۷، دانشگاه تهران)

در رساله خود با عنوان «نقد شعر معاصر از دیدگاه زبان شناسی»، به معرفی دستور نقش‌گرای هلیدی (۱۹۸۵) می‌پردازد. وی به ویژه به فرانش‌ها و طبقه بندی فرآیندها در این دستور، توجه ویژه دارد. وی به بررسی انواع فرآیندها در شعر می‌پردازد و معتقد است بررسی دقیق فرآیندهای نظام‌گذرای می‌تواند در شناخت طرز تفکر اهل زبان به هستی نیز سودمند باشد. او بر این باور است که با بررسی معنایی افعال در آثار شاعران، می‌توان اطلاعاتی در زمینه نگرش شاعر به جهان هستی، پدیده‌ها و بافتی که شعر در آن سروده شده است، به دست آورد.

رهاورد این پژوهش، از دو بخش شکل یافته است؛ در بخش اول- که مشتمل بر دو فصل است- به بیان مباحث نظری و کلیات پژوهش پرداخته است و در بخش دوم- که مشتمل بر ۵ فصل است- پس از معرفی مختصر شش فرآیند مطرح، در فرانش تجربی، در هر فصل، به تحلیل و بررسی زبان - شناختی یک شعر از ۵ شاعر مطرح معاصر (سهراب سپهری، نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث و فروغ فرخزاد)، پرداخته شده است.

شیوه عملکرد مؤذن در این رساله، چنین است که بعد از بازنویسی شعر مورد بحث، ابتدا یک ساخت زبانی را در متن که در ابعاد ساختارهای تعدی، وجهی و متنی تکرار شده است، در نظر گرفته و سپس بر اساس مطالعه‌ای که از مجموعه‌های شعری شاعر مورد نظر و منابع مطالعاتی که در پیرامون شعر او موجود بوده است، تفسیری درباره آن ساخت، افزوده که اعتبار این تفسیر را خواننده‌ی آن قضاوت خواهد کرد.

او در قسمت نتایج خود اذعان می‌دارد که: هر یک از شاعران، در انتخاب نوع فرآیند، نسبت به دیگران، متفاوت عمل کرده‌اند و در واقع از منظر خود، جهان هستی را در قالب شعر، توصیف کرده‌اند.

معصومه تبریزمنش (۱۳۸۵)، دانشگاه شهید بهشتی)

در پایان نامه خود با عنوان «بررسی مجموعه فارسی بیاموزیم آموزش زبان فارسی از منظر فرا - نقش تجربی بر اساس چارچوب نظری دستور نقش‌گرای نظام مند هلیدی»، به وضعیت درونی درس‌های مجموعه آموزش فارسی بیاموزیم - از منظر فرانش تجربی و در حوزه نثر - پرداخته است.

موارد تحلیل شده در این رساله، نشان می‌دهد که فرآیند مادی و فرآیند رابطه‌ای با فراوانی ۲۸/۵۸ و ۴۵/۳۶ درصد، به ترتیب از سایر فرآیندها فراوان‌ترند و بسامد رخداد فرآیندهای ذهنی، بیانی، وجودی و رفتاری نسبت به فراوانی رخداد فرآیندهای مادی و رابطه‌ای ناچیز می‌باشد.

نگارنده در این رساله، نوشته است که بر اساس یافته‌هایش، فرآیند رابطه‌ای در گونه گفتاری و فرآیند مادی در گونه نوشتاری، بالاترین بسامدها را در میان شش فرآیند دارند. او معتقد است هرچه متن از گونه گفتاری به سمت گونه نوشتاری و گونه ادبی، سیر می‌کند، از میزان رخداد فرآیند رابطه‌ای در آن کاسته شده و بر بروز فرآیند مادی افزوده می‌شود.

از دیدگاه وی، در تشخیص نوع فرآیندها، فعل در بندها و جملات، باید به بافت زبانی و غیر زبانی آن توجه کرد و مشخصاً باید معنا و منظورگوینده یعنی نیروی منظوری را ملاک تصمیم‌گیری قرار داد.

نویسنده رساله، نشان داده که سلسله مراتب بسامدی فرآیندها در پنج کتاب این مجموعه آموزشی، متفاوت و متغیر است؛ چون هر یک از این کتابها گونه خاصی از زبان فارسی را آموزش می‌دهند (محوراهی، روزنامه‌ای، سخنرانی، ادبی و مانند آن).

در انتها نیز پژوهنده - به عنوان نتیجه کلی - اذعان داشته است که چارچوب نظری هلیدی - صرف نظر از اختلافات جزئی - در متن‌های زبان فارسی، قابل اجرا و کارآمد است.

ایرج شهبازی (۱۳۷۸)، دانشگاه شیراز

در پایان نامه خود با عنوان «تجزیه تحلیل گفتمانی غزلیات سعدی»، به تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات عاشقانه سعدی، پرداخته است. وی هفتاد غزل عاشقانه از سعدی را با استفاده از تجزیه و تحلیل گفتمان و متن، بررسی کرده است که آن را در سطح ساخت کلان، ساخت خرد و عوامل انسجامی، انجام داده است. در واقع می‌توان گفت این پژوهشگر، به چارچوب نظری متن پژوهش اصلی؛ یعنی (غزلیات سعدی) از منظر فرا نقش تجربی (اندیشگانی)، بی‌توجه بوده است.

وی برای بررسی غزلیات در سطح ساخت خرد، یازده الگوی نحوی را مورد توجه قرار داده و در این تحلیل از الگوهای نحوی فرشید ورد (۱۳۷۵) استفاده نموده است.

پس از تجزیه و تحلیل غزلیات در سطح ساخت کلان، دو طرح به دست آمده است: در طرح اول، سازه‌های اصلی زیر ساخت غزلیات عبارتند از: گفتگو با معشوق، بیان حال خود، اشاره به عالم عشق و عاشقی و تخلص شاعری. هر کدام از این چهار سازه نیز از عناصر بافتاری ویژه‌ای تشکیل شده‌اند. در طرح دوم، سازه‌های بنیادینی که زیر ساخت غزلیات را تشکیل می‌دهند عبارتند از: توصیف و تمجید، توجیه و طعنه، گله و شکایت، ابراز وفاداری و فداکاری و تقاضا و توصیه.

در بررسی عوامل انسجامی نیز، از الگوی هلیدی وحسن (۱۹۷۶)، استفاده کرده و نشان داده است که بیش از نیمی از عوامل انسجامی را، انسجام واژگانی تشکیل می‌دهد و از میان عوامل انسجام واژگانی، تکرار و با هم آئی، هفتاد و سه درصد از موارد را به خود اختصاص داده است.

مریم شاهرخی شهرکی (۱۳۸۵-۱۳۸۴)، دانشگاه شهید بهشتی

در پایان نامه خود با عنوان «بررسی شعر کودک از منظر زبان شناسی نقش‌گرای هلیدی»، از منظر فرانش تجربی بینافردی و متنی، به جمع‌آوری پیکره شعری مشتمل بر صد و پنجاه شعر از میان کودکان ۳-۶ ساله مهد کودک‌های تهران، پرداخته است و پس از بسامدگیری، هفت شعر پرسامد از میان مجموعه اشعار را، تحلیل نموده است.

پس از بررسی و تحلیل اشعار از منظر فرانش تجربی، مشخص شده که فرآیندهایی که بیشتر در این اشعار به چشم می‌خورند به ترتیب فرآیندهای رابطه‌ای ۴۷٪، و مادی ۳۸٪ می‌باشند.

به لحاظ فرانش بینافردی، وجه غالب در اکثر جملات این اشعار، وجه خبری حال ساده سوم شخص می‌باشد و در مورد فرا نقش متنی نیز، ساختار اطلاعاتی بیشتر جملات، بی‌نشان بود. اما در

اکثر جملات، ساخت مبتدا - خبری نشان‌دار به چشم می‌خورد. همچنین طبق فرضیه نویسنده، واژگان پربسامد این اشعار، واژگانی هستند که برای کودک، شناخته شده‌اند.

شایان ذکر است که این پژوهش، از منظر نقد، با توجه به حوزه آن (نظم)، دارای اشتراک با متن اصلی پژوهش، می‌باشد. با این تفاوت که در حوزه شعر و ادبیات کودک و در قالب گفتمان کودکان ۶-۳ ساله و از سه منظر معنایی، مورد تحلیل قرار گرفته است.

مهرخ غفاری مهر (۱۳۸۳)، دانشگاه شهید بهشتی)

پایان نامه‌ای با عنوان «بررسی دو مجموعه از کتابهای آموزش زبان فارسی از دیدگاه نظریه نقش‌گرای هلیدی» نوشته است.

در این پژوهش پنج فصلی، پس از ارائه طرح پژوهشی، در فصل دوم به توضیح و تفصیل مباحث نظری خویش از جمله معرفی زبان شناسی نقش‌گرای نظام مند، فرانش‌ها و نقش‌های مربوط به فرانش، پرداخته است. در فصل سوم به مطالعاتی که در زمینه تحلیل ساختار مبتدا - خبری در ایران و خارج از ایران انجام شده، اشاره کرده و در فصل چهارم به بررسی ساختار مبتدا - خبری در متن مورد پژوهش، کاویده است و پس از آن نتایج کلی ارائه شده است.

نگارنده دو مجموعه آموزشی آرفا و فارسی بیاموزیم، را از منظر فرانش متنی و ساختار مبتدا - خبری؛ یعنی مبتداهای نشان‌دار و بی‌نشان، ساده و مرکب و نیز از لحاظ سازه‌های موجود در جایگاه مبتدا و توالی مبتداهای، بررسی کرده است.

سپس نتایج این بررسی‌ها را در دو مجموعه مقایسه کرده و جدول‌های مربوط را ارائه نموده و نتیجه‌گیری کرده است؛ که در مجموعه فارسی بیاموزیم از مبتداهای مرکب بیشتری استفاده شده است (نسبت ۸۴/۵ درصد به ۱۰/۵ درصد دو مجموعه دیگر). او معتقد است این نشان دهنده انطباق بیشتر این مجموعه با گونه گفتاری زبان فارسی است.

نگارنده اذعان داشته است که در مجموعه فارسی بیاموزیم، ۳۳/۵ درصد از مبتداهای نشان‌دار بودند اما در مجموعه آرفا، ۲۷ درصد از مبتداهای نشان‌دار بودند. نویسنده این آمار و بسامد را نشانه نزدیکی مجموعه فارسی بیاموزیم به گونه گفتاری زبان فارسی می‌داند.

وی بیان کرده که در مجموعه فارسی بیاموزیم، مبتداهای متنی ۶/۵ درصد و در مجموعه آرفا، ۲ درصد است و اینکه فراوانی بیشتر مبتداهای متنی، باعث پیوسته‌تر و منسجم‌تر شدن متن مجموعه اول می‌شود.

همچنین، تفاوت‌های ساختار مبتدا - خبری در این دو مجموعه می‌تواند بیانگر تفاوت کلی میان آنها و نزدیکی مجموعه اول به گونه گفتاری باشد.

این محقق، معتقد است بر اساس نظریه هلیدی و به ویژه تحلیل ساختار مبتدا - خبری می‌توان تفاوت های کلی و سبکی متن های گوناگون فارسی را توجیه و توصیف کرد.

فرشته میلادی (۱۳۹۰)، دانشگاه الزهراء)

نگارنده در پایان نامه خود تحت عنوان «تحلیل انتقادی گفتمان غزلیات جامی»، با بهره‌گیری از روش تحلیل نورمن فرکلاف و دستور نقش‌گرای نظام مند هلیدی، به تحلیل ۴۰ غزل از دیوان اشعار عبدالرحمن جامی، شاعر توانای عهد تیموریان، در ایران پرداخته است.

در این پژوهش، غزلیات جامی در هر قسمت؛ فاتحه الشباب، واسطه العقد وخاتمه الحیات، به دسته های مختلفی چون عاشقانه، قلندرانه، مدحی و ناصحانه تقسیم شده‌اند و پس از ذکر فرآیند های متعدد در غزلیات - بطور اجمالی - به تحلیل نوع تفکر و قدرت در هر قسمت، پرداخته شده است.

درواقع، وی با قرار دادن فرآیند های مادی و رابطه‌ای در صدر فرآیندها و سیر تحوّل آنها بیش از هرچیز سعی در ایجاد تقابل و مقایسه میان کنش‌ها، اهداف و نام های مشارکین گفتمان دارد.

مرجان فردوس (۱۳۸۹)، دانشگاه الزهراء)

در پایان نامه خویش با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی گلستان سعدی»، در جهت شناخت گفتمان های طبیعی شده و نیز بررسی نابرابری های اجتماعی در خلال متن گلستان، کاویده است.

وی، از نظریه مایکل هلیدی جهت تحلیل متن و نظریه‌ی نورمن فرکلاف جهت تبیین ابعاد اجتماعی و چگونگی پیوند آن با متن، استفاده کرده و در فصل دوم رساله خویش به بیان آنها پرداخته است. وی (نگارنده) از میان ابزارهای پیشنهادی، جهت تحلیل متن، بر فرا نقش اندیشگانی، با تمرکز بر فرآیندها و نام گذاری ها، تأکید کرده و در تحلیل فرآیندها، بیشتر نوع فرآیند و ارزش‌گذاری افعال در دو قطب مثبت و منفی را، مطمح نظر داشته است.

همچنین، با تکیه بر نظرات فرکلاف، متن مورد نظر را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، بررسی کرده است و از این رهگذر، پیوند میان متن و جامعه بازنمایی یافته است.

آنچه از بررسی و تحلیل این پژوهش، حاصل شده است، ناظر بر تعریف دو گفتمان اصلی، تحت عنوان گفتمان حکومتی و گفتمان معنوی می‌باشد. وی با تبیین و جایگاه مشارکان هریک از این گفتمان‌ها، نهایتاً به این نتیجه دست یافته که گفتمان غالب گلستان، گفتمان معنوی است و از میان مشارکان آن، خداوند بر فضای گلستان، برتری مطلق دارد.